



پیام باستان شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۷، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



بازشناسی هویت تاریخی و راه‌های ارتباطی استقرار تاریخی درآرام در طارم علیا بر اساس شواهد باستان‌شناختی و متون تاریخی

رحیم سلامتی گول قشلاقی^۱، فرزاد مافی^۲، امیر هاشم‌پور مافی^۳

۱ دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

۲ استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران. نویسنده مسئول: mafifarzad@gmail.com

۳ استادیار، گروه باستان‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله:
درآرام، نام دهستانی در شهرستان طارم علیا است که مرکز آن دهی تاریخی به همین نام می‌باشد. این نام در متون متعددی از دوران میانی اسلامی و پس از آن ذکر شده است. پژوهش حاضر به بررسی پیشینه تاریخی درآرام و تبیین ابعاد استقرار کهن این مکان، موسوم به «قلعه درآرام»، بر پایه شواهد باستان‌شناختی و متون تاریخی می‌پردازد. برای دستیابی به این هدف، مواد فرهنگی قلعه، از جمله سفال‌ها و ویژگی‌های معماری بقایای سازه، مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. افزون بر این، با بهره‌گیری از متون تاریخی، به‌ویژه سفرنامه پیر دل‌اواله، سیاح ایتالیایی قرن هفدهم، مسیر راه قدیمی که در دوره صفوی و پیش از آن از درآرام عبور می‌کرد، شناسایی و بر روی نقشه بازسازی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قلعه درآرام در دوران پیش از اسلام، به‌ویژه عصر اشکانی، و نیز در قرون میانی و متأخر اسلامی، یک استقرار مرکزی و مهم در منطقه طارم علیا بوده و از گسترده‌ترین محوطه‌ها در میان دهستان‌های آب‌بر و درآرام به شمار می‌رفته است. همچنین نتایج تحقیق حاکی است که راه ارتباطی قدیم منطقه، که از دهکده کنونی درآرام و دره رود قزل‌اوزن عبور می‌کرد، تا حد زیادی با مسیر جاده امروزی منطبق بوده است..	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷ واژگان کلیدی: طارم علیا درآرام قلعه درآرام راه ارتباطی

* استناد: سلامتی گول قشلاقی، مافی، فرزاد، هاشم‌پور مافی، امیر (۱۴۰۴). بازشناسی هویت تاریخی و راه‌های ارتباطی استقرار تاریخی درآرام در طارم علیا بر اساس شواهد باستان‌شناختی و متون تاریخی. *پیام باستان‌شناس*، ۱۷ (۳۳)، ۱۷۷-۱۸۹.

<https://doi.org/10.71794/PEB.2026.1212220>

۱. مقدمه

شهرستان طارم علیا با مساحت تقریباً ۲'۲۳۵ کیلومتر مربع در نیمه شمالی استان زنجان و با مرکزیت شهر آب‌بر قرار دارد. تقسیمات اداری آن شامل سه بخش (مرکزی، گیلوان و چورزق)، دو شهر (آب‌بر و چورزق) و پنج دهستان (آب‌بر، درام، چورزق، دستجرده، گیلوان و تشویر) است (مطالعات تدوین برنامه آمایش استان زنجان، ۱۳۹۵: ۳۲؛ سالنامه آماری استان زنجان، ۱۳۹۸: ۶۰؛ موسوی زنجان، ۱۳۵۲: ۴۸۳). این مرزبندی‌های اداری و آماری مبنای تحلیل‌های جمعیتی، کاربری زمین و مدیریت منابع طبیعی منطقه قرار می‌گیرند (مطالعات تدوین برنامه آمایش استان زنجان، ۱۳۹۵).

از نظر موقعیت طبیعی، طارم علیا از سمت غرب و جنوب به حوضه رودخانه قزل‌اوزن، از شرق به دهستان گیلوان و از شمال به استان اردبیل و سلسله‌کوه‌های البرز محدود می‌شود (شکل ۱). چشم‌انداز توپوگرافی منطقه بسیار ناهموار است: در حالی که نقاط پایین‌دست (محل تلاقی بستر قزل‌اوزن با رودخانه فصلی قانقلی‌چای) حدود ۴۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند، برخی از قله‌های جنوبی - شرقی به ارتفاعات بلندتری دست می‌یابند که در منابع محلی به حدود بیش از ۲۸۰۰ متر اشاره شده است. این توزیع ارتفاعی، از سطوح پست تا قله‌های مرتفع، باعث تنوع شدید زیست‌محیطی و تفاوت‌های اقلیمی - هیدرولوژیک در مقیاس محلی می‌گردد. در فلات میانی ارتفاعات حدود ۷۰۰ متر تا پادگانه‌های آبرفتی حوضه قزل‌اوزن، دشت‌های رسوبی کم‌وسعتی مشاهده می‌شود که بر روی آن‌ها انباشت‌های آبرفتی به شکل تپه‌های ناهمگون پراکنده‌اند؛ این ساختار رسوبی و تراسی در کنار مخروط‌افکنه‌های متعدد منتهی به قزل‌اوزن، نشانگر فرایندهای رسوب‌گذاری کواترنری و فعالیت‌های هیدرودینامیکی مقطع اخیر زمین‌شناسی است. سازندهای نئوژن در دشت طارم به صورت کنگلومرا، ماسه‌سنگ، شیل و لایه‌های ضعیف گچی گسترده وسیعی دارند و بر این‌ها سازندهای کواترنری (تراس‌های آبرفتی و مخروط‌افکنه‌ها) قرار گرفته‌اند که نقش مهمی در توزیع خاک‌ها و

قابلیت‌های کشاورزی و بهره‌برداری از منابع آب سطحی دارند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۳).

از منظر هیدرولوژیک، حوزه طارم علیا بخشی از آبریز اصلی حوضه سفیدرود و در نهایت دریای مازندران تلقی می‌شود. علاوه بر رودخانه اصلی قزل‌اوزن، رودخانه‌های فرعی فصلی و نیمه‌دائمی متعددی در منطقه جریان دارند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کلوچ، پاوه‌رود، سیاه‌رود، وزنه‌سر، هزاررود، آب‌برچای و قانقلی‌چای اشاره کرد؛ این رودخانه‌ها در فصول خشک اغلب با کم‌آبی یا خشکی موقتی مواجه می‌شوند. در کنار جریان‌های سطحی، بهره‌برداری از منابع زیرسطحی (چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق)، قنوات و چشمه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین آب کشاورزی و آشامیدنی جوامع محلی دارد (عبدی‌نژاد و حسینی، ۱۳۹۷).

اقلیم شهرستان طارم علیا تحت نفوذ چندین توده هوایی غالب شامل توده‌های قطبی، مدیترانه‌ای، دریای سیاه و دریای خزر قرار می‌گیرد؛ در عین حال، رده‌بندی اقلیمی محلی نشان می‌دهد که رشته‌کوه‌ها نقش مانع‌ساز در برابر ورود توده‌های مرطوب را ایفا می‌کنند، بنابراین برخی دشت‌ها و دره‌های داخلی به نسبت نواحی همجوار از بارش کمتری برخوردارند. به صورت خلاصه، تیپ اقلیمی غالب در ارتفاعات «نیمه‌خشک سرد» و در مناطق پست‌تر «نسبتاً مرطوب» گزارش شده است و چهار زیست‌بوم متمایز در سطح منطقه قابل شناسایی است: کوهستانی، جنگلی، استپی - مرتعی و رودخانه‌ای - تالابی (مطالعات تدوین برنامه آمایش استان زنجان، ۱۳۹۵).

این تنوع توپوگرافی و اقلیمی، به همراه تغییرات کاربری زمین (مثلاً تبدیل پوشش‌های جنگلی یا مرتعی به زراعی یا سکونت‌گاهی)، مستقیماً بر فرایندهای هیدرولوژیک - از جمله نفوذ خاک، مدت زمان تمرکز رواناب، دبی قله و جریان پایه - اثرگذار است. شواهد و بررسی‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که تغییرات کاربری و پوشش زمین می‌تواند منجر به افزایش رواناب سطحی، تغییر در الگوهای رسوب‌گذاری و تغییر در تغذیه آب‌های زیرزمینی شود (Wierik et al., 2021; Dwarakish & Ganasri, 2015).

لذا در مطالعات منطقه‌ای مانند طارم، تلفیق داده‌های توپوگرافی (DEM)، کاربری زمین (LULC) و داده‌های هیدرومتری محلی برای مدل‌سازی پایداری منابع آب و سناریوسازی مدیریت سرزمینی ضروری به نظر می‌رسد.

در نتیجه، هدف این پژوهش آن است که با بهره‌گیری از ترکیب داده‌های زمین‌شناسی، توپوگرافی، هیدرولوژی و کاربری زمین، ساختار فضایی ناحیه طارم علیا را از منظر مدیریت منابع آب و پایداری کاربری اراضی بازسازی و تحلیل نماید؛ این رویکرد می‌تواند به شناخت بهتر نقاط آسیب‌پذیر نسبت به خشکسالی، فرسایش و تغییرات کاربری منجر شود و زمینه تصمیم‌گیری پایدار در سطوح استان و شهرستان را فراهم سازد.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از داده‌های باستان‌شناسی، متون تاریخی و منابع جغرافیایی به مطالعه‌ی استقرار تاریخی درام پرداخته است. در گام نخست، بررسی‌های میدانی در محوطه موسوم به قلعه درام انجام شد که شامل شناسایی و مستندسازی ساختارهای معماری (باروها، برج‌ها، و دیوارها) و گردآوری نمونه‌های سفال سطحی بود. تحلیل تیپولوژیک سفال‌ها بر اساس معیارهایی چون خمیره، نوع پوشش، روش ساخت، شیوه پخت و تزئینات انجام گرفت تا چارچوبی زمانی-فرهنگی برای دوره‌های استقرار فراهم شود.

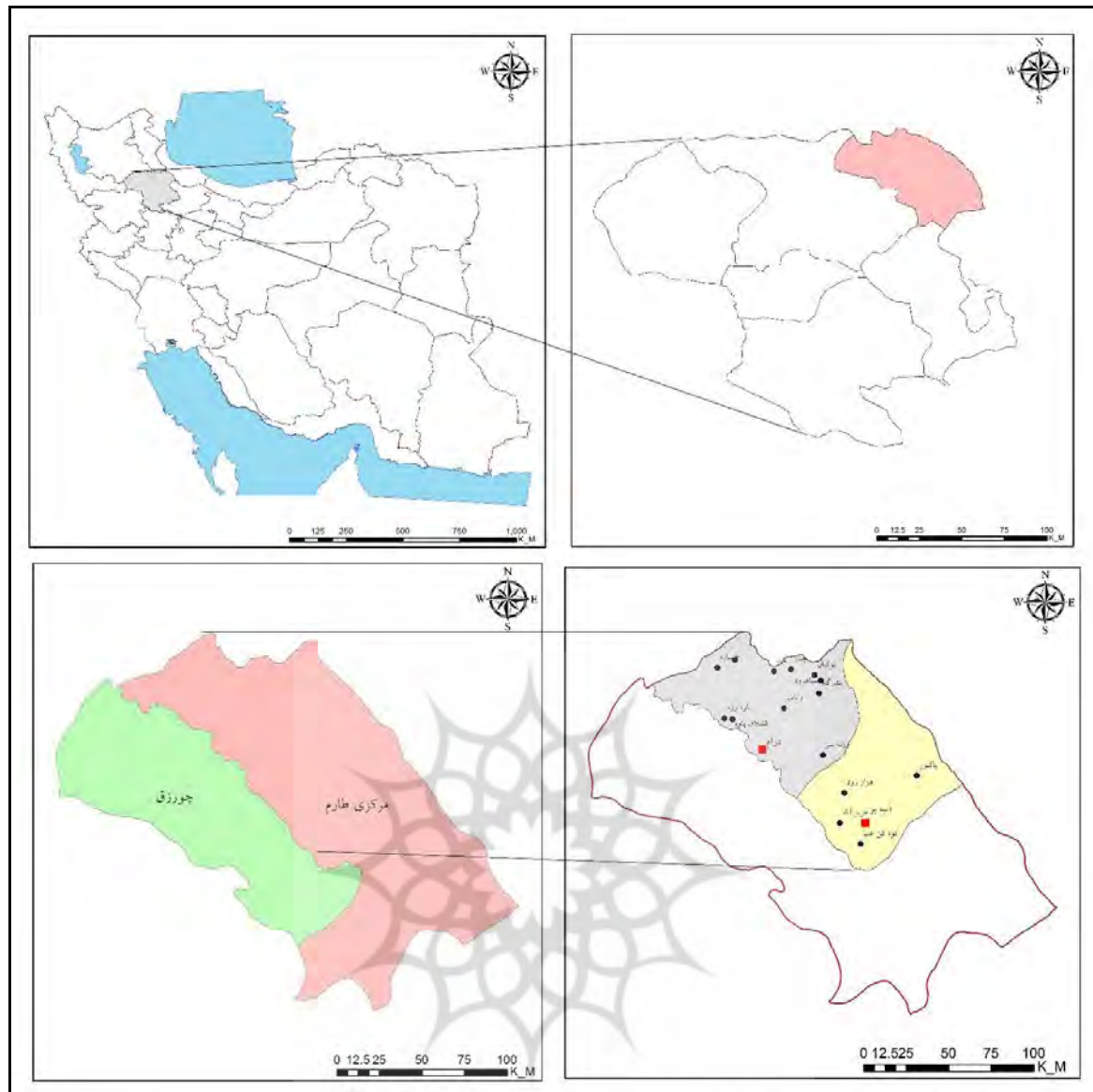
در گام دوم، داده‌های میدانی با متون تاریخی و جغرافیایی تطبیق داده شد. متونی همچون نزهه‌القلوب مستوفی قزوینی (۱۳۳۶)، سفرنامه پیترو دلاواله (۱۳۸۴/۱۶۲۵)، و گزارش‌های راولینسون (۱۸۴۰) برای شناسایی جایگاه درام در مسیرهای ارتباطی و نقش آن در شبکه راه‌های منطقه استفاده شدند. بازسازی مسیرهای تاریخی با استفاده از نقشه‌های توپوگرافی (۱:۲۵۰۰۰) و تصاویر ماهواره‌ای (Google Earth) صورت گرفت تا همپوشانی احتمالی راه‌های کهن با مسیرهای امروزی بررسی شود.

در نهایت، با ترکیب شواهد باستان‌شناختی (سفال و معماری) و داده‌های متنی، چارچوبی برای بازشناسی هویت تاریخی درام و تبیین نقش آن به عنوان یک استقرار مرکزی در طارم علیا طی دوره‌های اشکانی، میانی و متأخر اسلامی ارائه گردید.

۳. پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناختی در منطقه طارم علیا

هرچند پیشینه مطالعات باستان‌شناسی در منطقه طارم نسبت به دیگر مناطق کشور چندان قوی نیست، اما در مجموع از دهه هشتاد شمسی تحولی در این امر روی داده است، به نحوی که در دو دهه اخیر کاوش‌ها و بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی در شهرستان طارم رشد قابل توجهی یافته که برخی از آنها به صورت فهرستوار به شرح زیر است:

- بررسی، کاوش و مطالعات محدوده روستای تشویر طارم توسط امیر الهی (الهی، ۱۳۸۰) و علی نوراللهی (نوراللهی، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۵).
- فصل اول بررسی شهرستان طارم به سرپرستی ارض الله نجفی در سال ۱۳۸۶ که در نتیجه آن ۹۶ محوطه باستانی مربوط به دوره‌های مختلف از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی شناسایی شد (نجفی، ۱۳۸۶).
- فصل دوم بررسی منطقه طارم توسط ابوالفضل عالی (عالی، ۱۳۸۷) که در نتیجه آن ۶۰ محوطه باستانی شناسایی شد.
- کاوش گورستان عصر آهنی جیران تپه جزلاندرت توسط بهنام قنبری (قنبری، ۱۳۹۱؛ قنبری و دیگران، ۱۳۹۲).
- کاوش قلعه سانسیر طارم با بقایای دوره میانی اسلامی توسط حمزه کریمی (کریمی، ۱۳۹۸).
- کاوش و تعیین عرصه و حریم گورستان عصر آهنی انزل توسط حامد ذیفر (ذیفر، ۱۴۰۲).
- هرچند محدوده درام و قلعه درام در بررسی میدانی سال ۱۳۸۶ شناسایی و بررسی شد، اما باوجود اهمیت مجموعه، تاکنون کاوشی در این مکان صورت نگرفته است.



شکل ۱: موقعیت منطقه مورد بررسی در نقشه ایران، استان زنجان و شهرستان طارم علیا (نگارندگان، ۱۴۰۳)

۴. درام در متون تاریخی و سفرنامه‌های دوران اسلامی

منطقه مورد مطالعه این پژوهش، مربوط به حمدالله مستوفی قزوینی (وفات ۷۵۰ه.ق) است. مستوفی در شرح تفصیلی منطقه طارم نوشته است: «طارمین ولایتی گرمسیرست بر شمال سلطانیه به یک روزه راه، و درو ارتفاعات بسیار نیکو می‌باشد و اکثر میوه سلطانیه از آنجاست. در اول آنجا شهری فیروزآباد نام به زمین طارم سفلی دارالملک بود، اکنون به کلی خرابست و قصبه اندر بطارم علیا شهرستان آنجا شده... مردم آن ولایت سنی شافعی مذهبند و آن ولایت پنج عمل است: اول طارم علیا از توابع قلعه تاج بوده است، قرب صد پاره دیه است و جزلا و شوزرد و درام و جیا و قلات و زرد و شند از معظم قرای

نام طارم از همان قرون نخستین دوران اسلامی به اشکال مختلفی چون «طرم» (نک: ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۸۲؛ ابودلف، ۱۹۷۰: ۴۲؛ اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۹۰؛ رافعی قزوینی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۴۸)، «الطرام» (نک: ناصرخسرو، ۱۳۳۵: ۵)، «طارمین» (نک: مستوفی، ۱۳۳۶: ۲۰۲)، «تارم» (نک: حموی، ۱۹۹۵: ج ۲ ص ۶؛ البغدادی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۴۹) و «طارم» (جوینی، ۱۳۹۱: ۳۷۶ و ۷۰۱) در متون جغرافیایی و تاریخی، ظاهر شده است. باینحال، قدیمی‌ترین اشارات تاریخی به درام،

آنست.....» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۷۱). چنانکه ملاحظه می‌شود، پس از گذشت هفت قرن، هنوز برخی جای‌نام‌های مهم منطقه طارم علیا چون درام، جزلا، جیا، و قلات شکل قدیمی خود را حفظ کرده‌اند و برخی دیگر نیز مانند اندر و شورزد با اندک تغییری به صورت اندر و چورزق درآمده است. پس از آن پیترو دلاواله، سیاح معروف ایتالیایی، که در زمستان سال ۱۶۱۹ میلادی همزمان با حکومت شاه عباس اول، از راه اردبیل به منطقه طارم سفر کرد، بار دیگر به درام اشاره کرده است. سفر دلاواله به منطقه طارم مصادف بود با بازگشت شاه عباس از اردبیل که پس از تدارک نبردی با ترکان عثمانی در حال مراجعه به قزوین بود. چنانکه گفته خواهد شد، شرح دلاواله حاوی اطلاعات مهمی درباره ویژگی‌های جغرافیایی و راه‌های ارتباطی منطقه مورد مطالعه در دوره صفوی است.

پس از آن، راولینسون که در دهه ۱۸۳۰ از ایران دیدن کرد، از درام و آب‌بر به‌عنوان دو مکان اصلی پشتکوه نام برده و نوشته است: درام بر سر راهی است که از آبی می‌آید و از داخل کوه‌ها می‌گذرد به گیلان می‌رود. این مکان با باغات احاطه شده و کاخی از عبدالله میرزا در آنجا قرار دارد (Rawlinson 1840: 62-63). لازم به ذکر است که عبدالله میرزا (وفات ۱۲۶۳ ه‍.ق)، فرزند فتح‌علی‌شاه قاجار و حاکم زنجان بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد بخشی از تأسیساتی که به نام قلعه درام معروف است، مربوط به بقایای کاخ عبدالله میرزا و دیگر سازه‌های زمان فرمانروایی این حکمران در اوایل دوره قاجار باشد.

۵. شواهد باستان‌شناسی محوطه موسوم به قلعه درام

محوطه موسوم به قلعه درام در دهستان درام، بخش مرکزی شهرستان طارم علیا، در فاصله‌ی ۶۲۳ متری جنوب دهستان درام در مختصات جغرافیایی $37^{\circ}00'N$ و $48^{\circ}46'22''E$ در کناره رود قزل‌اوزن واقع شده است. ارتفاع محوطه مذکور از سطح دریا ۴۸۳ متر است. بر اساس اطلاعات بدست آمده از

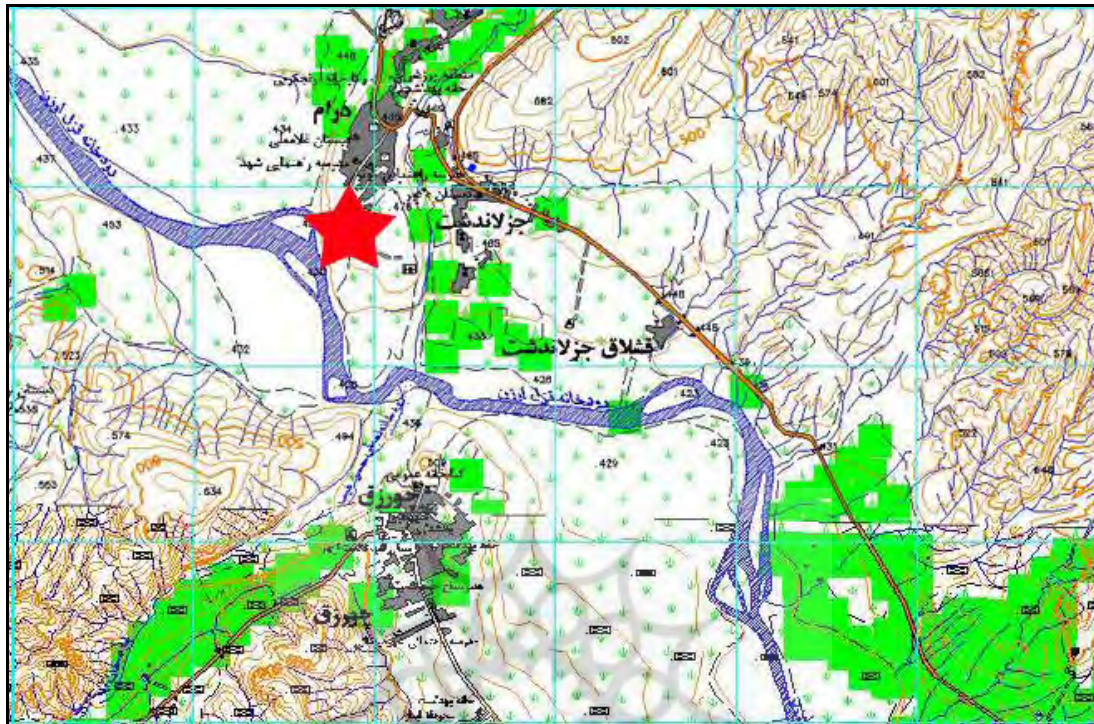
بررسی میدانی، طول محوطه مذکور ۵۰۰ متر، عرض آن ۴۰۰ متر و مساحت کلی آن حدود ۲۰ هکتار است. تراکم سفال در محوطه مذکور حدود سه تکه در هر مترمربع است.

سطح محوطه درام شیب اندکی از سمت غرب به شرق دارد، اما در جبهه جنوبی و شرقی که بر قزل‌اوزن مسلط است، شیب محوطه بسیار زیاد است، به‌نحوی که در بعضی نقاط مقدار شیب به ۹۰ درجه می‌رسد. بر اساس نتایج حاصل از بررسی میدانی، محوطه قلعه درام یک بافت عظیم استقرارگاهی است که شاخص‌ترین سازه آن قلعه‌ای است که ضلع جنوبی آن بر رودخانه مسلط است. امروزه جبهه جنوبی قلعه به واسطه شیب زیاد و وجود رودخانه در مجاورت آن به طور کامل محفوظ مانده است. در این قسمت دیوارهای قلعه به طول زیادی باقی مانده که ارتفاع آن‌ها در بعضی از نقاط به بیش از سه متر می‌رسد. در هر کدام از دیوارهای شمالی و جنوبی بقایای سه برج مدور خشتی دیده می‌شود که برج شمال‌غربی سالم‌ترین برج باقی‌مانده به شمار می‌رود. قطر برج مذکور حدود چهار متر و ارتفاع باقیمانده از آن به بیش از چهار متر می‌رسد. دیوارهای قلعه در قسمت پی بنا با سنگ‌های رودخانه‌ای ساخته شده‌اند و بخش روی پی دیوار را با خشت بالا آورده‌اند، اما در بعضی نقاط یک یا دو رج از دیوار را دوباره با همان نوع سنگ‌های پی ساخته‌اند. علاوه بر آن، برخی دیوارهای فرعی را با چینه ساخته‌اند که در میان این دیوارها نیز به صورت نامنظم از سنگ استفاده شده است.

در شمال قلعه، آثار و داغ دیوارها، یک آبراهه و سایر ساختارهای معماری دیده می‌شود که به نظر منازل مسکونی یا خانه‌های وابستگان به صاحب قلعه بوده است. به همین دلیل می‌توان نوع محوطه را بافتی در نظر گرفت که مرکزیت آن با قلعه است. در دو چاله حفاری غیرمجاز در درون قلعه، تکه سفال‌های زیادی به‌ویژه مربوط به خمره‌های ذخیره آذوقه مشاهده گردید که لزوم کاوش‌های باستان‌شناسی در این مکان را خاطرنشان می‌کند. علاوه بر حفاری‌های غیر مجاز و نزولات جوی، گودبرداری‌های

عمرانی در قسمت‌های شمالی محوطه به طول بیشتر از ۶۰۰ متر و عمق ۲ متر صدماتی را به این محوطه مهم تاریخی در منطقه طارم وارد کرده است. بر اساس بررسی

سفال‌های سطحی، محوطه درام در دوره‌های عصر آهن III، دوره اشکانی و دوران اسلامی، به‌ویژه قرون میانی اسلامی دارای استقرار بوده است.



شکل ۲: موقعیت قلعه درام در نقشه توپوگرافی ۱:۲۵۰۰۰ (هیئت بررسی، ۱۳۹۶).



شکل ۳: قلعه درام، دید از شرق (هیئت بررسی، ۱۳۹۶).



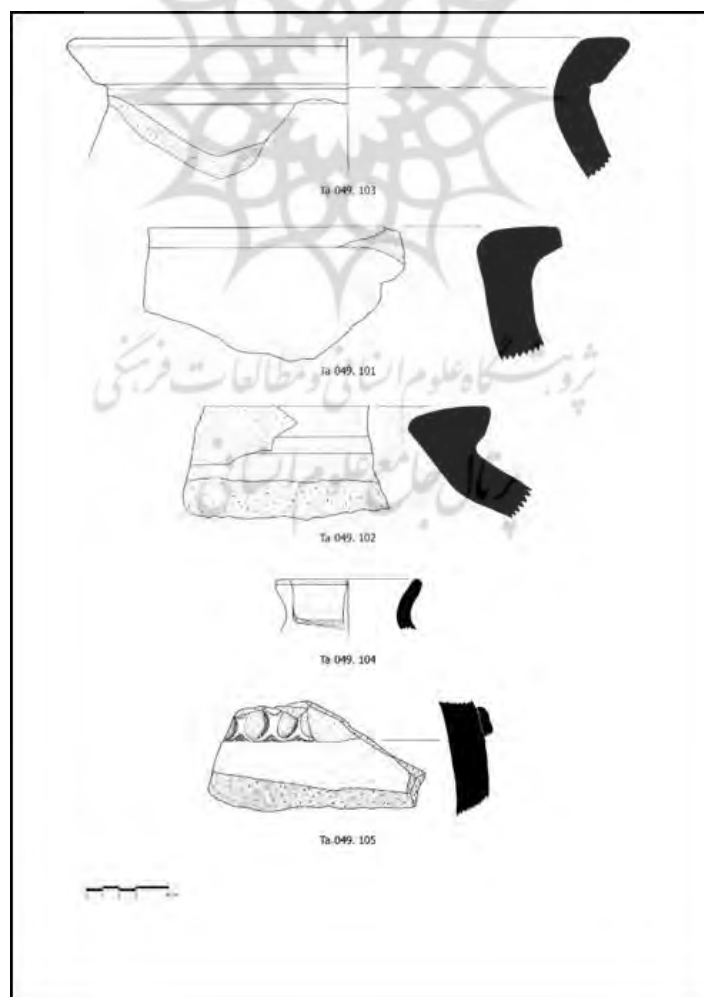
شکل ۴: نمای عمومی قلعه درام، دید از شمال (هیئت بررسی، ۱۳۹۶).



شکل ۵: نمایی از باروی شمالی قلعه درام (هیئت بررسی، ۱۳۹۶).



شکل ۶: یکی از برج‌های قلعه درام (هیئت بررسی، ۱۳۹۶).



شکل ۷: طرح سفال‌های قلعه درام (هیئت بررسی، ۱۳۹۶).



شکل ۸: سفال‌های سطحی قلعه درام (هیئت بررسی، ۱۳۹۶).

۶. بازشنای راه‌ها و مسیرهای ارتباطی قدیمی منتهی به درام در دوران اسلامی

احتمالا مهم‌ترین متن تاریخی که می‌توان به واسطه آن به مسیر و کیفیت راه ارتباطی منطقه طارم، همچنین راه قدیمی منتهی به درام پی برد، سفرنامه پیترو دل‌واله ایتالیایی است. به‌طور کلی، ناحیه طارم در دوره صفوی از این نظر که در میانه شهرهای قزوین و اردبیل دو شهر اصلی صفویان واقع شده بود، اهمیت ویژه داشت. شهر قزوین که پایتخت صفویان از زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ه‍.ق) بود، حتی پس از انتقال پایتخت به اصفهان در زمان حکومت شاه عباس اول نیز همچنان اهمیت خود را به‌عنوان یک شهر مهم و معتبر حفظ کرده بود. شهر اردبیل نیز بدان سبب که مدفن شیخ صفی، نیای بزرگ خاندان شاهی صفوی بود، نزد شاهان این سلسله ارج و منزلت فراوانی داشت، به نحوی که به گفته دل‌واله «شاه عباس به مناسبت عید فطر برای انجام مراسم دعا به مقبره شاه صفی رفت. تزئینات این آرامگاه را که قبلا به مناسبت انتقال استخوان‌ها یا به جهت دیگر برداشته بودند، قبل از این دیدار مجدداً به طور کامل بر سر جاهای اولیه خود قرار داده بودند. شاه پس از انجام دعا به آشپزخانه رفت و پیش‌بندی بر کمر بست و با دست خود برای مستمندان پلو کشید» (دل‌واله، ۱۳۸۴: ۳۲۴).

از متن دل‌واله چنین پیداست که او و همراهانش پس از بازگشت از اردبیل از راه دیگری، غیر از مسیر رفت، به قزوین رفتند. در مسیر رفت، دل‌واله پس از خروج از قزوین، از راه سلطانیه و زنجان به اردبیل رفت، اما در برگشت او از راه طارم که مسیری میان‌بر به شمار می‌رفت، به قزوین بازگشت. در مجموع نام بسیاری از روستاها و نقاط و مواضع جغرافیایی که دل‌واله به آنها اشاره می‌کند، امروزه نیز علیرغم گذشت چهارصدسال، اغلب به همان شکل پیشین یا با اندکی تغییر، همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند (نک. دل‌واله، ۱۳۸۴: ۳۳۳-۳۲۴). به نقل از دل‌واله، وی پس از خروج از اردبیل از طریق «داش کسن» به «تاجی بیوک» رفت و از آنجا پس از طی ۵ فرسنگ به «ده گیوی» رسید. امروزه هر دو روستای تاجی بیوک و گیوی هنوز به همین نام‌ها در محدوده استان اردبیل کنونی حیات دارند، اما روستایی به نام داش کسن در موقعیتی که انتظار می‌رود، وجود ندارد. در هر صورت مشخص است که روستای مذکور در گذشته جایی حد فاصل اردبیل و تاجی بیوک قرار داشت. چنانکه در نقشه ملاحظه می‌شود، مسیر راه قدیمی اگرچه بر راه کنونی منطبق نیست اما بسیار نزدیک به آن است. به نقل از دل‌واله، از ده گیوی جاده به دو قسمت تقسیم می‌شد: یک راه به دره پردلیس و راه دیگر که شرقی‌تر بود و دل‌واله آن را برای ادامه مسیر برگزید. دل‌واله در ادامه می‌افزاید، چون شاه از جاده شرقی‌تر قصد مراجعت کرده

گل‌ولای نتوانسته بودند با کجاوه سفر کنند، همگی سوار بر اسب بودند و بسیار خسته از راه رسیدند. سه‌شنبه شاه خیلی دیر عازم شد و البته تاموقی که او حرکت نکرده است کسی نمی‌تواند محل خود را ترک گوید تا مبادا در راه زنان با او مصادف شوند. ما نیز گذاشتیم تا آنان کاملاً دور شوند و سپس به راه افتادیم و نزدیک به سه فرسنگ در مزرعه‌های پنبه راه‌پیمایی کردیم، زیرا تمام ده درام و اطراف آن و حتی تا قزوین زمین پر از بوته‌های پنبه است. وقتی شب رسید، در کنار همان رودخانه‌ای که تمام روز در ساحل چپ آن در جهت حرکت آب راه‌پیمایی کرده بودیم، آرمیدیم» (دلاواله، ۱۳۸۴: ۳۳۱-۳۳۲).

دلاواله در جای دیگر به نام این رودخانه اشاره کرده و می‌نویسد: «نام این رودخانه قزل‌اوزن است که معنی رودخانه قرمز می‌دهد، زیرا از اراضی قرمز رنگ عبور می‌کند و رنگ آن به قرمزی می‌گراید....» (دلاواله، ۱۳۸۴: ۳۳۳). باتوجه به توصیف دلاواله مشخص است که او از درام و در ساحل شرقی رود قزل‌اوزن در جهت جنوب‌شرقی در حرکت بوده است. در ادامه مسیر که در منطقه طارم طی شد، دلاواله پس از پنج فرسنگ به ده کوچک ابراهیم‌آباد رسید که این ده نیز امروز در نقشه وجود ندارد و با ده دیگری به همین نام که به سمت غرب، در مسیر زنجان، قرار دارد متفاوت است. باتوجه به فاصله ۸ فرسخی (حدود ۵۰ کیلومتر) از درام، به نظر می‌رسد که ابراهیم‌آباد در موقعیت ده کنونی بهرام‌آباد واقع در ساحل شرقی رودخانه قرار داشته است. دلاواله سپس پس از طی یک فرسخ به رودخانه قزل‌اوزن که پل آن خراب شده بود رسید. در اینجا دلاواله به‌ناچار برای آنکه به آب قزل‌اوزن نزنند به سمت عقب برگشت که به یک قصر ویران برخورد کرد که در آنجا استخوان بعضی از خویشان شاه‌صفی را به خاک سپرده بودند و به گفته دلاواله مردمان محل به غلط تصور می‌کردند آن‌ها از مقدسین هستند (دلاواله، ۱۳۸۴: ۳۲۴). باتوجه به فاصله حدود نه فرسخی (حدود ۵۵ کیلومتر) از درام، به نظر می‌رسد که مکان موردبحث که دلاواله به شکل جالب توجه‌ای به هویت صاحبان قبور آنجا اشاره دارد، در واقع همان است که امروزه به دژ سمیران معروف بوده و شامل

بود، حدس زدم که برای مسافرت در فصل زمستان مناسب‌تر است، اما بعد از اینکه این راه را انتخاب کردم به فوریت دریافتیم که دست کمی از آن دیگری ندارد و بسیار گل‌آلود و خراب است. و از نقاط کوهستانی می‌گذرد (دلاواله، ۱۳۸۴: ۳۲۴). در حقیقت راه غربی که از پردلیس می‌گذشت و مسیر رفت دلاواله بود، مسیر طولانی‌تر اما آسان‌تری بود که از طریق دشت زنجان به قزوین می‌رسید. اما راه میان‌بر و دشوارتر شرقی که از دره کوهستانی طارم می‌گذشت، به دلیل کوتاه بودن و شاید هم به دلایل دیگر، مورد انتخاب شاه و همراهان از جمله دلاواله قرار گرفت. به نقل از دلاواله آنها در ادامه مسیر به ده «خوین» و از آنجا پس از پنج فرسخ به شهر کوچک «شال» رسیدند. امروزه شال نام روستایی است که در فاصله حدود ۴۵ کیلومتری جنوب خلخال واقع است. بنابراین باتوجه به موقعیت این مکان، مشخص می‌شود که منظور از روستای خوین در متن دلاواله در واقع همان روستای خوجین امروزی است که در فاصله حدود پنج کیلومتری جنوب خلخال واقع است. بر این اساس به نظر می‌رسد که دلاواله با توجه به ماهیت کوهستانی منطقه، از ده گیوی از طریق دره رود هیروچایی در راستای شرق و سپس جنوب، روانه خلخال شده و از آنجا به خوجین و سپس از طریق دره درو-شال وارد این روستا شده است.

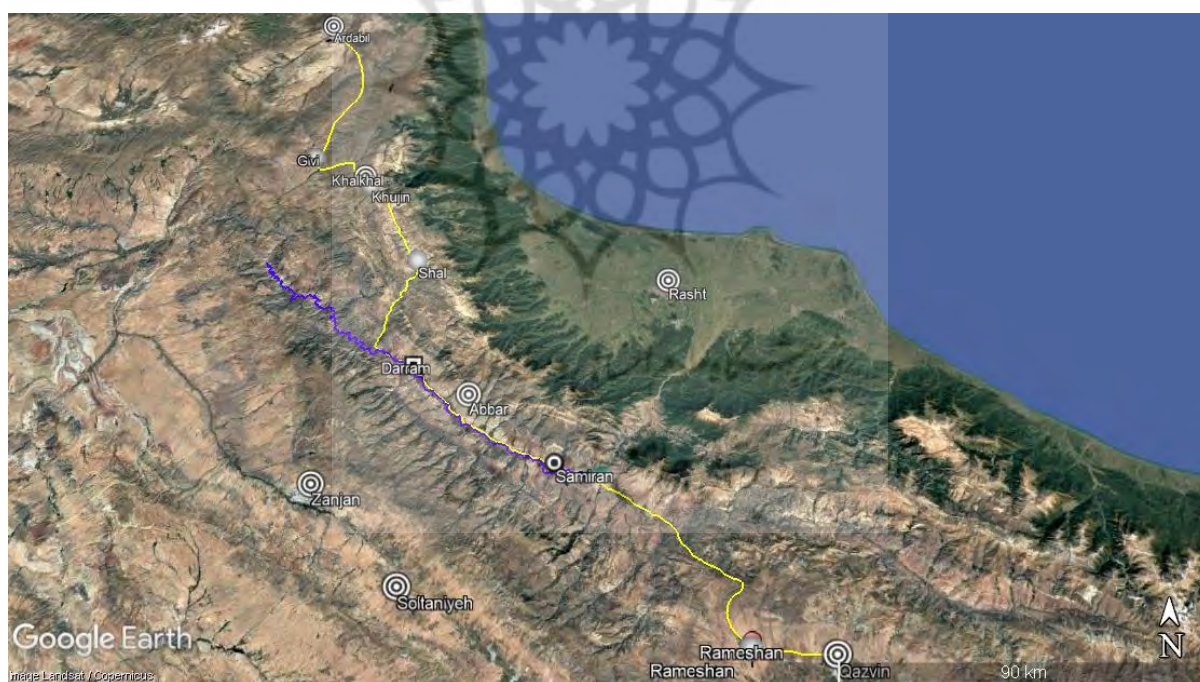
پس از آن، دلاواله و همراهانش پس از طی سه فرسنگ از طریق یک دره تنگ و دشوار که با اتفاقاتی همراه بود، سرانجام به ده «درام» رسیدند که مطابق متن مذکور در آن زمان هم همچون امروز و همچون قرون میانی اسلامی (نک. مستوفی، ۱۳۳۶: ۷۱)، جزو قلمرو ناحیه طارم به شمار می‌رفت. به نظر می‌رسد که دلاواله مسیر شال تا درام را از طریق دره «دیز» و دره‌های کوهستانی متصل به آن در راستای جنوب‌غربی طی کرده است. دلاواله درباره درام نوشته است: «پس از طی مسافتی در ده درام، واقع در طارم علیا، بارافکنندیم. دوشنبه موقعی که در خانه‌ای داخل این ده استراحت می‌کردیم. شاه و تمام اردو نیز به آنجا رسیدند. بیشتر اردو از جلوی ده رد شد، ولی شاه و بانوان حرمش در آنجا چادر زدند و ماندند. بیچاره زنان که به واسطه کثرت

دربارهٔ تعلق برج‌مقبرهٔ سمیران به قرون میانی اسلامی، به حقیقت نزدیک‌تر است.

دلواله در ادامهٔ مسیر به سمت قزوین، از طریق یک پل مخروبه به ساحل جنوبی رود قزل‌اوزن رفت و از آنجا خود را به ساحل چپ رودخانهٔ شاه‌رود رساند و از مسیر دره‌های کوهستانی از ناحیهٔ طارم خارج به رامیشان و سپس به قزوین رسید. رامیشان همان روستای رامشان امروزی است که در فاصلهٔ حدود ۲۵ کیلومتری شمال‌غربی قزوین در بخش کوهین واقع است. چنانکه در نقشهٔ شکل ۹ ملاحظه می‌شود راهی که در این زمان (دورهٔ صفوی) از طارم می‌گذشت، اگرچه دقیقاً بر جادهٔ امروزی منطبق نیست، اما باتوجه به ویژگی‌های جغرافیایی و توپوگرافی منطقه که حرکت را به داخل درهٔ کوهستانی حاشیهٔ قزل‌اوزن محدود می‌کند، به لحاظ جهت و محدودهٔ مسیر، تفاوت چندانی با جادهٔ امروزی ندارد.

آثاری از جمله بقایای استحکامات و دو برج‌مقبره است (برای سمیران نک. نادری، ۱۳۵۹؛ ستوده، ۱۳۶۲؛ Rawlinson 1939: 63). باتوجه به توصیف دلواله، به نظر می‌رسد که او با برج‌های مقبره‌ای سمیران برخورد کرده است.

هیلن براند با توجه به فرم دو برج‌مقبرهٔ برجای مانده در دژشهر معتقد است که می‌توان زمان ساخت این دو بنا را به دوره سلجوقی نسبت داده و این دو برج مقبره را جزو قدیمی‌ترین بناهای آرامگاهی با این فرم در ایران بدانیم (Hillenbrand, 1974). ولفرام کلایس هم که بین سال‌های ۱۹۶۹م تا ۱۹۷۸م در شمال‌غربی ایران مشغول بررسی محوطه‌های تاریخی بود، معتقد است که بقایای معماری موجود در محوطه سمیران مربوط به خانقاهی از دوره صفوی است (Kleiss, 1970: 89). در هر صورت، باتوجه به توصیف دلواله، مشخص می‌شود که نظر براند



شکل ۹: مسیر ارتباطی اردبیل-قزوین (خط زرد) از طریق طارم که توسط دلواله در سال ۱۶۱۷ میلادی طی شد (گوگل ارث، ۲۰۲۵).

۷. نتیجه‌گیری

نشان می‌دهد که استقرار در این مکان از عصر آهن III و دوران اشکانی آغاز شده و تا قرون میانی اسلامی استمرار داشته است. وسعت محوطه و تراکم آثار معماری حاکی از آن است که در دورهٔ اشکانی، درام یکی از مراکز مهم قدرت محلی و پایگاهی راهبردی در کنار رود قزل‌اوزن بوده است.

درام، روستایی تاریخی در دهستانی به همین نام در حوزهٔ شمالی آبریز قزل‌اوزن در شهرستان طارم علیا، جایگاهی مهم در تاریخ منطقه دارد. شواهد مادی برجای مانده، از جمله قلعه موسوم به «قلعهٔ درام» و آثار سفالی سطحی،

البغدادی، صفی‌الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق. (۱۴۱۲). مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع (جلد سوم). تحقیق و تعلیق علی محمد البجاوی. بیروت: دارالجلیل.

جوینی، عظاملک. (۱۳۹۱). تاریخ جهانگشای جوینی. به تصحیح محمد قزوینی. تهران: نگاه.

دلاواله، پیترو. (۱۳۸۴). سفرنامه دلاواله (قسمت مربوط به ایران). ترجمه و شرح و حواشی شعاع‌الدین شفا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ذیفر، حامد. (۱۴۰۲). گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم گورستان انزل، شهرستان طارم، استان زنجان (منتشر نشده).

سالنامه آماری استان زنجان. (۱۳۹۸). معاونت آمار و اطلاعات. (سالنامه منتشره ۱۳۹۹ برای سال ۱۳۹۸). بازیابی از: <https://amar.org.ir/Portals/0/PropertyAgent/6200/Files/98-19-00.pdf>

ستوده، منوچهر. (۱۳۶۲). قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز. تهران: طهوری.

عالی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان طارم. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

عبدی‌نژاد، پرویز، حسینی، احمد. (۱۳۹۷). بررسی خصوصیات و ویژگی‌های کیفی آب مسیله‌ها و رودخانه‌های استان زنجان. سومین کنفرانس ملی حفاظت خاک و آبخیزداری، ۲۹-۳۰ خرداد ۱۳۹۷، صص. ۱۲۲۷-۱۲۳۷.

قنبری، بهنام. (۱۳۹۱). کاوش نجات‌بخشی گورستان جیران‌تپه جزلان‌دشت، شهرستان طارم استان زنجان. پژوهشکده باستان‌شناسی.

قنبری، بهنام، مصطفی‌پور، ایمان، ذیفر، حامد، کریمی، حمزه، و ذوالقدر، سعید. (۱۳۹۲). شواهدی نو از استقرار عصر آهن در گورستان جیران‌تپه طارم، استان زنجان. در حسین عزیزی خرائقی، مرتضی خانی‌پور، و رضا ناصری (گردآورندگان)، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی

در دوران اسلامی نیز اهمیت این مکان حفظ شده و در متونی چون نزهةالقلوب مستوفی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین روستاهای طارم علیا یاد شده است. روایت‌های سیاحانی مانند پیترو دلاواله در قرن هفدهم و گزارش‌های راولینسون در قرن نوزدهم میلادی نیز نقش این استقرار را در مسیرهای ارتباطی میان اردبیل، قزوین و گیلان تأیید می‌کنند. تحلیل مسیر دلاواله نشان داد که راه تاریخی از دره‌های طارم و از کنار درام عبور می‌کرده و تا حد زیادی با جاده امروزی منطبق بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که درام طی سده‌های طولانی نه تنها نقش یک استقرار کشاورزی و دفاعی، بلکه نقش پیونددهنده در شبکه ارتباطی شمال‌غرب ایران را نیز ایفا کرده است. بنابراین حفاظت، کاوش علمی و مطالعه بیشتر این محوطه می‌تواند درک ژرف‌تری از تاریخ طارم و جایگاه آن در تحولات منطقه‌ای ایران پیش و پس از اسلام فراهم آورد.

منابع

ابودلف خزرجی، مسعر بن مهلهل. (۱۹۷۰). الرسالة الثانية لأبي دلف. ترجمه و تعلیق محمد منیر مرسی، تصحیح انس خالدوف و بولغاکوف پطرس. قاهره: عالم‌الکتب.

ابن فقیه، ابی‌عبدالله احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی. (۱۴۱۶ ق/۱۹۹۶ م). کتاب البلدان. تحقیق یوسف الهادی. بیروت: عالم‌الکتب.

احمدی، علی، زمانی، مهدی، صالحی، رحمان، احمدی، سیده کبری، کرمی، پریوش، فتحی، مریم. (۱۴۰۳). استان‌شناسی زنجان. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.

الهی، امیر. (۱۳۸۰). گمانه‌زنی در بنای موسوم به آتشکدهٔ تنشیر. آرشیو ادارهٔ کل میراث فرهنگی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).

اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسی. (۱۹۲۷). المسالك و الممالك. بیروت: دار صادر.

- باستان‌شناسان جوان (صص. ۱-۲۰). دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تالار فردوسی.
- کریمی، حمزه. (۱۳۹۸). گزارش کاوش باستان‌شناسی در قلعه سانسیر طارم. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).
- حموی، یاقوت بن عبد الله. (۱۹۹۵). معجم البلدان. بیروت: دار صادر.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۶). نزهة القلوب. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: طهوری.
- مطالعات تدوین برنامه آمایش استان زنجان. (۱۳۹۵). گزارش آمایش استان زنجان. مجری: معاونت هماهنگی برنامه و بودجه.
- موسوی زنجان، حاج سید ابراهیم. (۱۳۵۲). تاریخ زنجان علما و دانشمندان. تهران: کتابفروشی مصطفوی، نشر مصطفوی و بوذرجمهری.
- ناصرخسرو، ابومعین حمیدالدین. (۱۳۳۵). سفرنامه ناصرخسرو. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: سپهر.
- نادری، بقراط. (۱۳۵۹). نگاهی گذرا بر گیلان و آثار تاریخی آن: قلعه شمیران. اثر، ۲ (۳-۴)، ۱۷۶-۱۸۴.
- نجفی، ارض‌الله. (۱۳۸۶). گزارش فصل اول بررسی شهرستان طارم. زنجان: آرشیو میراث فرهنگی استان زنجان (منتشر نشده).
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۰). بررسی باستان‌شناختی بناهای آرامگاهی روستای تشویر شهرستان طارم و کاربری آنها. فرهنگ زنجان.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۱). بررسی باستان‌شناختی قلعه پاچاداغ (قلعه تشویر) شهرستان طارم. باستان‌شناسی ایران، ۳ (۳)، ۵۴-۷۶.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۵). کاوش باستان‌شناسی محوطه اشکانی تشویر طارم استان زنجان. دیار، ۸ (۲)، ۱-۵۴.
- Dwarakish, G. S., & Ganasri, B. P. (2015). Impact of land use change on hydrological systems: A review of current modeling approaches. *Cogent Geoscience*, 1(1), 1115691. <https://doi.org/10.1080/23312041.2015.1115691>
- Hillenbrand, R. (1974). *The tomb towers of Iran to 1550*. London: University of Oxford.
- Kleiss, W. (1970). *Bericht über Erkundungsfahrten im Iran im Jahre*. Berlin: Reimer.
- Rawlinson, M. (1839). Notes on a march from Zohab, at the foot of Zagros, along the mountains to Khuzistan (Susiana), and from thence through the province of Luristan to Kirmanshah, in the year 1836. *Journal of the Royal Geographical Society of London*, 9, 2-116.
- Rawlinson, M. (1840). Notes on a journey from Tabriz, through Persian Kurdistan, to the ruins of Takhti-Soleiman, and from thence by Zenjan and Tarom, to Gilan in October and November, 1838. *Journal of the Royal Geographical Society of London*, 10, 1-80.
- te Wierik, S. A., Cammeraat, E. L., Gupta, J., & Artzy-Randrup, Y. A. (2021). Reviewing the impact of land use and land-use change on moisture recycling and precipitation patterns. *Water Resources Research*, 57(7), e2020WR029234. <https://doi.org/10.1029/2020WR029234>